

چکیده

توسعه فرایندی چند بعدی است که نه تنها متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود بلکه توسط نهادها شکل می‌گیرد و تکامل می‌یابد. نهادهای رسمی مانند قوانین و مقررات به سادگی قابل تغییر و اصلاح هستند اما تغییر نهادها غیر رسمی چون آداب و رسوم و سنت‌ها به تدریج امکان پذیر است. نهادهای ناسازگار با فرایند، هزینه مبادله را افزایش می‌دهند. سازمانها برای کاهش هزینه مبادله ایجاد می‌شوند. اما سازمانها زمانی کارایی دارند که حقوق مالکیت تعیین و مشخص شده باشد و دولت از

توسعه اقتصادی به دست آید، دیگر هدفها مانند از بین بردن بیکاری و نابرابری درآمدها و فقر خود به خود حاصل خواهد شد. به سخن دیگر، مفهوم توسعه اقتصادی با رشد اقتصادی مترادف فرض می‌شود و اعتقاد بر این بود که بار اصلی هزینه گسترش خدمات اجتماعی بوسیله کسانی که از نظر اقتصادی توانایی دارند تأمین می‌شود.^۲ اما شواهد تجربی نشان می‌دهد که رشد اقتصادی کشورها در از میان بردن فقر و نابرابری ثروت و درآمد^۳ یا در حفظ محیط زیست ناتوان بوده است.^۴ یعنی نهادهای موجود کمکی به توسعه نکرده‌اند و مزایا و منافع رشد اقتصادی به اقشار فقیر منتقل نشده است.^۵ به همین دلیل صاحب نظرانی چون نیکسون^۶ و کلاور^۷ آزرش بدون توسعه نامیدند. چتری و همکاران^۸ با استفاده از مدل ساده سالو^۹ و دیسون^{۱۰} و آمار کشورها به این نتیجه رسیدند که سهم عوامل نامشخص (غیر از سرمایه و کار) در رشد اقتصادی کشورها بسیار بالاست و این بر اهمیت نهادها دلالت دارد. ویژگی نهادها را نظام ارزشی جامعه تعیین می‌کند^{۱۱} بنابراین برای اصلاح نهادها نظام ارزشی جامعه باید تغییر یابد و اصلاح شود.^{۱۲} اما اینکه عوامل اجتماعی و نهادها، طبیعت و مسیر توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند برخلاف نظر الگوی فکری مدرن آسیون است که می‌گوید کشورها بی توجه به ویژگیهای فردی شان ناگزیر روندی تاریخی را طی

۱- پیش گفتار

توسعه اقتصادی را بیشتر رشد اقتصادی همراه با تغییرات ساختاری تعریف می‌کنند. اما عملی کردن تغییرات ساختاری و شناسایی عوامل تعیین کننده آن بسیار دشوار است. از آنجا که نهادها بخشی از ساختارهای اقتصادی هستند توسعه اقتصادی را می‌توان رشد اقتصادی همراه با «تغییرات نهادی» کارا تعریف کرد.

هدف این مقاله بررسی نقش نهادها در فرایند توسعه اقتصادی است. بخش دوم مقاله پس از تبیین و تعریف توسعه اقتصادی به بررسی ابعاد آن می‌پردازد. بخش سوم مقاله، نهادها و ویژگی آنها را در فرایند توسعه اقتصادی تشریح می‌کند. در بخش چهارم، نهادها و سازمانها مورد مطالعه قرار می‌گیرند و بخش پنجم به بحث پیرامون مشارکت و نهادسازی می‌پردازد و در پایان، نتیجه گیری می‌شود.

۲- توسعه و ابعاد آن

ظهور تئوری‌های محض اقتصادی به شکل مدل‌های تعادل عمومی منجر به بسط و گسترش نظریه‌هایی در چارچوب تحلیل‌های تجربی اقتصادی محض شد که تنها به عوامل اقتصادی محدود بود.^۱ تأکید این تئوری‌ها بر رشد مدیوم درآمد سرانه بود و چنین فرض می‌شد که هنگامی

تغییرات نهادی مسیر تحول جوامع بشری در طول تاریخ را مشخص می‌کنند و بنابراین کلید فهم تغییرات تاریخی محسوب می‌شوند.» (ص ۱۹)

همچنین نهادها عامل تعیین کننده عملکرد اقتصادی هستند. تغییرات نسبی قیمت‌ها که در نظریات نئوکلاسیکها اهرم کلیدی و تعیین کننده تخصیص منابع، تولید و توزیع است خود ناشی از تغییرات نهادی در جامعه است.^{۲۱} آمار تیاسن برنده جایزه نوبل اقتصاد معتقد است که نهادها و مناسبات اجتماعی در تقسیم ثروت ملی و تعیین حقوق افراد نقش تعیین کننده دارند و موجب باروری فنی و تکنولوژیک جامعه می‌شوند.^{۲۲} نهادها می‌توانند رسمی باشند مانند قوانین که افراد بشر وضع می‌کنند یا غیر رسمی مانند آداب و رسوم، سنتها و اصول و قواعد رفتاری. نهادها ممکن است خلق شوند مانند قانون اساسی، قوانین ضد انحصار، حق امتیاز و حقوق مربوط به ورشکستی بنگاهها و غیره، یا به تدریج و در گذر زمان شکل می‌گیرند و متحول می‌شوند مانند حقوق عرفی.^{۲۳} جیمز میل^{۲۴} معتقد است قوانین اقتصادی جامعه بر دو دسته است. نوع نخست، قوانین مربوط به تولید است که ثابت و غیر قابل تغییر است و به تعبیر جیمز میل به قوانین طبیعی شباهت دارد که اراده بشر و نهادها در آنها مؤثر نیست مانند قانون بازده نزولی. نوع دوم قوانین مربوط به توزیع است که ثابت نبوده و نسبی است و بوسیله نهادها و تصمیمات اجتماعی قابل تغییر است در نتیجه با تغییر نهادهای اجتماعی، تغییر می‌کند.^{۲۵}

برخی از نهادها هزینه معاملات را کاهش اما بعضی دیگر آنرا افزایش می‌دهند مانند قوانین ضد تراست، قوانین ممنوعیت یا محدودیت ورود به خط تولید و بازسیهای مختلف در جریان تولید که هزینههای اطلاعات را افزایش می‌دهد و ممکن است امنیت را از حقوق مالکیت سلب کند. قوانین اقتصادی مزبور در واحد سیاسی وضع می‌شود و نشانگر قدرت چانه‌زنی پیمانکاران، اتحادیه‌های بازرگانی و دیگران در بازار سیاسی است. از آنجاکه بازار ناقص است، نهادها ترکیبی از هر دو نوع افزایش دهنده و کاهش دهنده هزینه هستند.^{۲۶} ساختار نهادی ریسک و مخاطره انجام قرارداد و

می‌کنند.^{۲۷} نظریات بالا که به تئوری‌های مدرنیزاسیون شهرت یافته است این واقعیت را نادیده می‌گیرد که کشورها و جوامع، ساختارهای متفاوت دارند و نمی‌توانند همگی در یک مسیر گام بردارند.^{۲۸} توسعه فرایندی پویا و متحول است که بر ارزشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه مبتنی است و به صورت تدریجی، آگاهانه و اختیاری صورت می‌گیرد؛ نمی‌توان آن را کورکورانه تقلید کرد یا به صورت مکانیکی از یک مکان به مکان دیگر انتقال داد. خمیرمایه آن را، نهادها تشکیل می‌دهند.^{۲۹}

از آنچه گذشت چنین پیداست که همه این نظریات بر عامل خارجی تأکید بیش از اندازه دارد و عوامل و موانع داخلی توسعه را نادیده می‌گیرد.^{۳۰} در حقیقت مشکل اساسی کلاسیکها و نئوکلاسیکها این است که گروه نخست اعتقاد دارند که نهادها خود را با شرایط اقتصادی تطبیق می‌دهند و گروه دوم معتقدند که نهادها کاملاً سازگار با توسعه و مناسب توسعه هستند اما مسلم است که نهادها نه خود را با شرایط تطبیق می‌دهند و نه ضرورتاً مساعدت توسعه هستند بلکه باید طراحی و برنامه‌ریزی شوند.^{۳۱}

۳- نهادها و ویژگی آنها

امروزه کاملاً مشخص شده است که توسعه بی توجه به نهادها و مسائل فرهنگی با مشکل جدی روبه‌رو می‌شود. به سخن دیگر، گرچه بهره‌گیری از دانش، تکنولوژی و ابزارها موجب پیشرفت اقتصادی می‌شود اما نیروهای بازدارنده پیشرفت اجتماعی، برعکس ریشه در الگوهای نهادی دارند که در جوامع شکل می‌گیرند.^{۳۲} نهادها در حقیقت قوانین اجتماعی رسمی و غیر رسمی هستند.^{۳۳} داگلاس نورت نهادها را چنین توصیف می‌کند:^{۳۴}

«نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند یا به عبارت سنجیده‌تر قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسانها با یکدیگر را شکل می‌دهند. در نتیجه نهادها سبب ساختارمند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند. خواه این مبادلات سیاسی باشند یا اقتصادی یا اجتماعی،

○ توسعه اقتصادی را

بیشتر رشد اقتصادی همراه با تغییرات ساختاری تعریف می‌کنند. اما عملی کردن تغییرات ساختاری شناسایی عوامل تعیین کننده آن بسیار دشوار است. از آن رو که نهادها بخشی از ساختارهای اقتصادی هستند، توسعه اقتصادی را می‌توان رشد اقتصادی همراه با (تغییرات نهادی) کارا تعریف کرد.

جوامعی است یعنی اگر دستمزدها افزایش یابد کارگران به جای کار بیشتر برای درآمد بیشتر، معمولاً کمتر کار می کنند تا زندگی را بگذرانند. اگر بهای کالاها مناسب باشد، مقدار کمتری تولید می شود. چنین برخوردی نسبت به کار برای فعالیت های توسعه مناسب نیست^{۲۴} هر چند تغییر آنها به سادگی امکان ندارد. در جوامع سنتی، افراد کمتر ریسک پذیرند و انگیزه پیشرفت دارند.

دیوید ماک کلاوند در بررسی خود به این نتیجه می رسد که در جوامع سنتی، افراد اهمیت زیادی به پذیرش وضع موجود و انطباق با آن تا دوام آن می دهند و کمتر به فکر موقعیت بهتر در کار جدید هستند زیرا احساس می کنند تنوع و فکر کار جدید زندگی آرام و یکنواخت آنان را برهم می زند و تهدیدی برای امنیت فردی و خانوادگی شان خواهد بود.^{۲۵}

بنابر این گفته می شود که نهادها می توانند توسعه را تسریع یا متوقف کنند. مقایسه نقش نهادهای اجتماعی در فرایند توسعه چین و ژاپن نشان می دهد که این نهادها در چین مانع پیشرفت کشور شده اند در حالی که نقش مهمی در توسعه ژاپن داشته اند.^{۲۶} بنابر این نهادهای درست و مناسب که رشد اقتصادی را تقویت کنند پیش شرط توسعه اقتصادی یک کشور هستند. به سخن دیگر، نهادها تأثیر مهمی در کار، تلاش و ریسک پذیری در یک جامعه دارند. نهادهایی مانند حقوق مالکیت می تواند بر کار و تلاش و ذخیره کردن ثروت و سرمایه گذاری و پس انداز تأثیر مثبت داشته باشد. نظامی که در آن افراد غیر قابل اعتماد باشند و دستگاه اداری بازدارنده باشد یا حقوق مالکیت روشن نباشد، منجر به اتلاف منابع می شود؛ در نتیجه جامعه را به توسعه هدایت نمی کند.^{۲۷} فرقه گرایی تژادی، قومی و مذهبی ممکن است روند توسعه را دشوار سازد. در جوامعی که ساختار اجتماعی نامناسب دارند و موقعیت فرد از بدو توکد تعیین می شود، بالا بردن جایگاه و موقعیت فرد و سطح درآمد دشوار است چرا که نظام اجتماعی مانع تحرک شغلی فرد می شود و این باز هم موجب کاهش بهره‌موری و کارایی او می شود. اگر افراد احساس کنند که تلاش آنها در سرنوشتشان اثری ندارد، نسبت به آینده نومید و به افرادی خودباخته و

عملی شدن آن یا ریسک پرداخت غرامت به فروشنده را در صورت تحمل زیان تعیین می کند.^{۲۷}

برخی نهادها باعث تشویق فعالیت‌هایی می شوند که بهره‌موری را افزایش می دهد و نهادهای دیگری هستند که ورود کارگاههای جدید به خط تولید را منع می کنند، محدودیتهای انحصار گرانه را تشویق و از به جریان افتادن اطلاعات کم هزینه جلوگیری می کنند.^{۲۸}

نهادها در فرایند توسعه اقتصادی متحول می شوند؛ نهادهای ناکارآمد از دور خارج می شوند و نهادهای کارآمد و متمایل به توسعه به حیات خود ادامه می دهند و رفته رفته متحول می شوند.^{۲۹} گرچه قوانین رسمی ممکن است در نتیجه تصمیم گیری های سیاسی یا قضایی به آسانی و فوری تغییر کند، اما محدودیتهای غیررسمی که در آداب و رسوم، اصول و قواعد، هنجارهای رفتاری و مجموعه قوانین عرفی تبلور می یابد در برابر سیاستهای سنجیده و آگاهانه بسیار مقاوم است و خیلی دیر تغییر می یابد. اما نهادها باید متناسب با نیاز کشورها و روند توسعه اقتصادی، تغییر کنند. تغییر نهادها آسان نیست، بلکه فرایندی بلندمدت است. چنین فرایندی با مخالفت و واکنش کسانی در جامعه روبرو می شود؛ یعنی افرادی که موقعیت اجتماعی آنها بهم می خورد یا از دست می رود. اما این بدان معنی نیست که تغییرات نهادی نباید صورت گیرد. برعکس، تغییر و اصلاح نهادها پیش شرط توسعه اقتصادی است. به سخن دیگر، همه مقاومتها و فداکاریهایی که در فرایند توسعه صورت می گیرد، در حقیقت هزینه فرایند توسعه است.^{۳۰}

اما تغییر نهادهای اجتماعی، تدریجی است و کمتر انقلابی.^{۳۱} نهادها ترکیبی از هنجارها هستند که در طول زمان شکل می گیرند و مقاصد ارزشی معینی دارند.^{۳۲} به عبارت دیگر، نهادها انتظارات، توقعات، بینشها و رفتار افراد یا یکدیگر را شکل می دهند.^{۳۳}

در کشورهای توسعه نیافته، مردم به گونه سنتی به کار می نگرند. عرضه کار نسبت به دستمزد بالاتر اصلاً مناسب نیست. منحنی عرضه برگشت به عقب نیروی کار از ویژگی های عادی چنین

○ برخی از پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که سهم عوامل نامشخص (غیر از سرمایه و کار) در رشد اقتصادی کشورها بسیار بالاست و همین، بر اهمیت نهادها دلالت دارد. از آن رو که ویژگی نهادها را نظام ارزشی جامعه تعیین می کند، برای اصلاح نهادها، نظام ارزشی جامعه باید دگرگون و اصلاح شود.

○ توسعه فرایندی پویا و متحول است که بر ارزشهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مبستنی است و به گونه تدریجی، آگاهانه و اختیاری متحقق می شود و خمیرمایه آن را نهادها تشکیل می دهند.

نهادی است. البته سازمانها نیز در جای خود بر نحوه تکامل چارچوبهای نهادی اثر می گذارند.^{۳۹} به عقیده کوز برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۹۱، چارچوب نهادی هم بر هزینه های تبدیل (تولید) و هم بر هزینه های معاملاتی اثر می گذارد. کارایی سیستم اقتصادی به عملکرد سازمانها بستگی دارد^{۴۰} و سازمانها خود در سایه وجود هزینه مبادله ایجاد می شوند. اگر مکانیزم بازار قیمت کالاها و خدمات، ترکیب عوامل تولید، ترکیب کالاهای تولیدی و نوع بازار را به صورت بهینه تعیین می کرد، نیازی به سازمانها و بنگاهها احساس نمی شد اما هنگامی که معامله یا مبادله میان افراد به راحتی انجام نمی شود یا معامله با هزینه زیاد همراه است و یک سازمان یا یک بنگاه آن مبادله را راحت تر و با هزینه کمتری به انجام می رساند، در آن صورت است که وجود سازمان اهمیت پیدا می کند. چنانچه هزینه یک معامله بیشتر از سود حاصل از آن باشد مبادله صورت نمی گیرد. انجام نشدن معامله به معنی نبود تولید و عقب ماندگی اقتصادی است.

ویلیامسون وجود سازمانها یا بنگاهها را به سه دلیل زیر ضروری می داند:

نخست، محدود بودن عقلانیت افراد؛ یعنی توانایی انسانها در حل مسائل پیچیده کامل نیست یا از اطلاعات موجود نمی توانند به درستی استفاده کنند یا اصولاً خود اطلاعات ناقص است و کامل نبودن اطلاعات موجب سرگردانی می شود. دوم، فرصت طلب بودن افراد؛ یعنی نداشتن صراحت در بیان و عمل و درستکاری و امانت، تزویر و ریاکاری در جهت تأمین منافع شخصی و بهره جویی از کوچکترین روزنه و مفردی در قراردادها و معاملات به سود خود و غیره که موجب بالا رفتن هزینه مبادله می شود. اگر عقلانیت افراد محدود نبود و اطلاعات بطور کامل در دسترس بود، در آن صورت موقعیتهایی که موجب فرصت طلبی افراد می شد وجود نمی داشت یا مشخص می شد و می شد از آن پرهیز کرد، لذا وجود سازمانها و نهادها و برقراری جریمه و پاداش می تواند در کنترل رفتار افراد فرصت طلب از بازار مؤثرتر باشد.

سوم، تفکیک ناپذیر بودن برخی از تخصص ها و تجارب مانند مهارت یک مدیر برای تصمیم گیری

متزلزل تبدیل می شوند و اعتماد به نفس خود را از دست می دهند و نسبت به کار و تلاش دلسرد می شوند. همچنین، سیستم بزرگ خانواری (داشتن فرزندان بیشتر و زندگی مشترک در یک خانوار) موجب افزایش مصرف، کاهش پس انداز و سرمایه گذاری می شود و هزینه افراد تحت تکفل را افزایش می دهد. بنابراین نهادها می باید به گونه ای عمل کنند که رابطه تلاش و پاداش را برقرار کنند و این کار مستلزم شرایطی است که در آن هیچ کس نتواند در درآمد دیگران سهیم شود.

عرضه مؤثر کار آفرین یا کارفرمای اقتصادی در یک جامعه تنها زمانی امکان پذیر می شود که انباشت ثروت مادی نیز در سلسله مراتب ارزشهای اجتماعی قرار گیرد و به آن بهای لازم داده شود. اقتدار حقوق مالکیت در حقیقت پیش شرط تحقق کارایی و شکل گیری بازارهای رقابتی است چرا که بهره گیری اجتماعی و کار از منابع را فراهم می آورد. این حقوق به مالک امکان می دهد که مانع استفاده دیگران از منابع خود او شود و انگیزه سرمایه گذاری و بهبود کیفیت را بالا می برد و نوعی تضمین برای تداوم تولید ایجاد می کند و قابلیت انتقال آنرا ترسیم می کند. اما حق مالکیت زمانی به واقعیت می پیوندد که امکان گفت و گوی آزاد و «حق مبادله» وجود داشته باشند. یک جامعه غیر قانونمند که مخالف گفت و گوی آزاد است، هزینه مبادله را بی نهایت بالا می برد.^{۴۱}

۴- نهادها و سازمانها

گرچه سازمانها هم مانند نهادها به کنش متقابل انسانها ساختار می بخشند، اما با نهادها تفاوت دارند. سازمانها شامل تشکیلات سیاسی (احزاب، مجلس، انجمن شهر)، تشکیلات اقتصادی (بنگاهها، اتحادیه های تجاری، مزارع خانوادگی، تعاونیها) و تشکیلات اجتماعی مانند باشگاهها، مساجد، کلیساها، تشکیلات آموزشی مانند مدارس، دانشگاهها و مراکز آموزشی حرفه ای و غیره هستند. سازمانها دربرگیرنده گروهی از افرادند که نیتی مشترک برای دستیابی به اهداف مورد نظر، آنها را گرد هم آورده است. اما اینکه چه سازمانهایی به وجود آمده اند و چگونه در طول زمان تکامل یافته اند، بطور مساوی متأثر از چارچوب

مستلزم اندازه گیری آن، روشن بودن شرایط مبادله، وجود اطلاعات کامل نزد طرفهای تجاری و تضمین حقوق مالکیت و اجرای مطلوب مفاد مبادله است که باید توسط دولت صورت گیرد.^{۲۵}

دولت نه تنها چارچوب قانونی را ارائه می دهد و نظم و قانون را برقرار می کند (اجرای دقیق مفاد قرارداد، حفظ حقوق مالکیت و غیره و سیاستگذاری های اقتصادی مناسب در سطح کلان چون تعیین نرخ ارز، نرخ بهره، نرخ دستمزد و سیاست تجاری در جهت ایجاد اشتغال بدون تورم) بلکه همچنین باید با اقدامات قانونی و سیاسی جلوی انحصار را بگیرد و با ایجاد صنایع رقابتی یا آزادسازی تجارتهای و از میان بردن انحصارات طبیعی، شرایط رقابتی را برقرار کند و با وضع مالیات بر بعضی از کالاها چون سیگار یا بر بنگاههای آلوده کننده محیط زیست به سالم سازی جامعه کمک کند و جلوی نابرابری درآمدها و درایی ها و نبود تعادل منطقه ای را بگیرد و هزینه مبادله را کاهش دهد.

اما دولت به همان اندازه که مفید است می تواند مخرب شود. مداخله دولت اگر موجب گسترش فعالیت های رانت جوینانه شود و به تشکیل گروه های ذینفع یا گروه های فشار بینجامد، موجب اتلاف منابع می شود.^{۲۶} همین وضع می تواند در مورد مکانیزم بازار و بخش خصوصی صادق باشد.^{۲۷} به سخن دیگر، نبود نهادهای مناسب دولت و بازار هر دو مسکن است به ترتیب منجر به «اخلال» و «انحراف» منابع و عوامل شود. مایکل لیپتون^{۲۸} می نویسد که احتمالاً جدی ترین مشکلات بر اثر شکست بازار یا شکست دولت به وجود نمی آید بلکه معلول موفقیت آنها است. اگر صرفاً موضوع شکست در میان بود، کار نسبتاً ساده می بود. اما اگر ویژگیهای بازار بر پایه توزیع نابرابر زمین، دیگر درایی ها و درآمدها باشد، این پیروزی بازار در پاسخ گویی به این نشانهها است که مشکل ساز شده است. آمار تیاسن در بررسیهای خود به قحطی در هند و بنگلادش اشاره می کند و نشان می دهد که در بیشتر موارد عرضه مواد غذایی کافی بوده اما قدرت خرید (یا به صورت عمومی تر استحقاق مردم) یا گروههای فقیر کاهش یافته بوده است. در آن شرایط بازار نسبت به پاسخ گویی به

در یک موقعیت خاص یا مهارت خاص در عقد قرارداد، که دیگران به سادگی نمی توانند از آن استفاده کنند و به سادگی هم قابل انتقال به فرد یا افراد دیگری نیست. وجود شرایط فرصت طلبی همراه با محدود بودن عقلانیت (نبود اطلاعات یا وجود نااطمینانی) هزینه مبادله را افزایش می دهد و بنابراین وجود سازمانها را برای برطرف کردن هزینه مبادله ضروری می سازد. چارچوب نهادی، هم بر هزینه های تبدیل (تولید) و هم بر هزینه های انجام معامله اثر می گذارد.^{۲۹} لوی از راه دانش فنی به کار گرفته شده و دومی از راه رابطه مستقیم بین نهادها و هزینه های مبادله.^{۳۰} هزینه مبادله، هزینه ای است که برای اجرا و تضمین اجرای حقوق مالکیت، تعیین طرفهای تجاری و اجرای عملی مفاد قرارداد صورت می گیرد.^{۳۱} اگر نتوان حقوق مالکیت را در مورد یک کالا برقرار کرد، در آن صورت ثوری هزینه مبادله دیگر جایی ندارد و به سخن دیگر حقوق مالکیت یا حقوق دارایی کالا یا خدمات می باید پیش از ایجاد بازار برای کالا یا خدمات تعیین گردد. اگر هوایی تازه و پاک وجود داشته باشد که همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند، حقوق مالکیت بر چنین هوایی نمی تواند برقرار شود و هیچ بازاری برای آن نیست و هزینه مبادله نیز ایجاد نمی شود و لذا نیاز به سازمانی هم نیست. بنابراین برقراری حق مالکیت با وجود بازار برای کالا یا خدمات همراه است و هزینه مبادله در بر دارد و برای رفع هزینه مبادله است که سازمانها ضرورت می یابند.^{۳۲}

اگر شرایط لازم برای توسعه اقتصادی برقراری رقابت کامل و تخصیص بهینه منابع باشد، این دو همواره با دو مشکل اساسی روبرو هستند، یکی هزینه مبادله و دیگری «سورای رایگان». هزینه مبادله گذشته از نارساییهای قانونی مربوط به مالکیت و حقوق مبادله، ناشی از نبود اطلاعات مربوط به قیمت ها، کیفیت ها، تعداد و سلیقه خریداران، فروشندگان و تولیدکنندگان نیز می باشد. آدام اسمیت و دیوید ریکاردو معتقد بودند که تقسیم کار و تخصصی شدن و سپس مبادله کالاها به همه افراد سود می رساند. در حقیقت از دید آنان مبادله هیچ گونه هزینه ای در بر ندارد. اما صاحب نظران نهادگرا معتقدند که مبادله کالا

○ گرچه بهره گیری از دانش، تکنولوژی و ابزارها موجب پیشرفت اقتصادی می شود، اما نیروهای بازدارنده پیشرفت اجتماعی، برعکس ریشه در الگوهای نهادی دارند که در جوامع شکل می گیرند. در حقیقت، نهادها قوانین اجتماعی رسمی و غیررسمی هستند.

درست آنها می‌شود و نهادهای نادرست، آنها را به ابزاری مخرب تبدیل می‌کند.^{۵۳}

تصمیم دولت، هزینه مبادله و اطلاعات، عوامل مختلف اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از آن راه بر انتخاب شکل تشکیلات، سازمان و نوع قرارداد اثر می‌گذارد. از سوی دیگر عوامل و گروه‌ها انگیزه دارند که خود را به گونه‌ای متشکل کنند که بر تصمیمات دولت در جهت منافع خود اثر بگذارند. گسترش تشکیلات دولتی در کلیت آن با افزایش زیرمجموعه‌های آن (قوانین، وزارتخانه‌ها یا شرکت‌های دولتی) دلالت بر کارکرد نامناسب و نامطلوب و ناکارایی عوامل اقتصادی دارد که هزینه مبادله را افزایش می‌دهد.

۵- مشارکت و نهادسازی

بازیر سئوال رفتن رشد برای رشد، جوهر سیاسی پیشرفت اقتصادی بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بر توانمندسازی مردم تأکید شده است. گفته می‌شود که کاراترین سیاست و سرمایه‌گذاری آن است که موجب توانمندسازی مردم برای پیشینه کردن ظرفیت‌ها، منابع و فرصت‌هایشان شود.^{۵۴}

دنیس گولت^{۵۵} سه عامل توسعه نیافتگی را ناتوانی، نومیدی و فقر گسترده می‌داند و برای رفع این مشکلات معتقد است که متشکل شدن افراد و اقدام جمعی در بیشتر نهادها اهمیت بسیار دارد. در همان حال اهداف اقدام جمعی تابع هزینه مبادله و هزینه اطلاعات است. اقدامات جمعی مربوط به حفظ، نگهداری و استفاده از کالاهای عمومی است که شامل کالاهای فیزیکی مانند بزرگراهها، پارکها و اقدامات مشابه در جهت حفظ محیط زیست و تلاش به منظور تعیین دستمزد بالاتر برای کارگران، قیمت بالاتر برای محصولات کشاورزان، وضع تعرفه بر واردات یا مالیات کمتر برای تولیدکنندگان و غیره است. اما اقدامات جمعی منجر به «سواری رایگان» می‌شود. سواری رایگان به دو علت پدید می‌آید. یکی اینکه وقتی کالایی تولید شد نمی‌توان دیگران را از استفاده از آن بازداشت و دیگر اینکه مصرف افراد اضافی مصرف دیگران را کاهش نمی‌دهد. بنابراین کسانی که منافع شخصی را در نظر می‌گیرند در تولید کالاهای

نشانه‌ها بسیار موفق بوده و در ایجاد انگیزه سودآوری و تخصیص منابع خیلی خوب عمل کرده است. اما مردم با قحطی روبرو شده‌اند.^{۵۶} به همین سان، این شکست دولت نیست بلکه موفقیت آن در دنبال کردن اهداف خود و فعالیت رانت‌جویانه مدیران است که نتایج مخرب به بار می‌آورد. به سخن دیگر، دولت و بازار هیچ کدام به تنهایی قادر به برقراری رقابت کامل و بهینه مورد نظر بازار نیست. کارکرد مناسب دولت و بازار به عوامل نهادی بستگی دارد. موفقیت یکی به معنی شکست دیگری یا شکست یکی به معنی دفاع از دیگری نیست. بازار آزاد و رقابتی، یک کالای عمومی است و مشارکت من مانع مشارکت شما نمی‌شود بلکه در حقیقت آن را تشویق می‌کند؛ بنابراین همانند دیگر کالاهای عمومی مستلزم اقدام جمعی برای حفظ آن است.^{۵۷} اما کارکرد درست بازار به هنجارهای اخلاقی، عمومی و بویژه اعتماد و اطمینان و قواعد رفتاری و پایبندی‌های اخلاقی بستگی دارد که خود ناشی از نهادهای غیررسمی در جامعه است. نبود این شرایط مانع کارکرد درست مکانیزم بازار می‌شود.^{۵۸} داگلاس نورت در گفتگو با مایکل پارکین می‌گوید دخالت مناسب دولت می‌تواند در تسریع فرایند بازار کارا مؤثر باشد. برای داشتن یک بازار کارا، یک کشور نیاز به قوانین و مقرراتی دارد که برای مردم انگیزه ایجاد کند تا خلاق شوند و کارایی خود را بالا ببرند و به افرادی موگد تبدیل شوند. از تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا می‌توان نتیجه گرفت که کارایی بازار با گذشت زمان تغییر می‌کند و با دگرگون شدن شرایط تکنولوژیک و شرایط بازار، آن نیز تغییر می‌کند. این تغییر، نیازمند تداوم و به روز شدن قوانین و مقررات برای حفظ شرایط کارایی است و به صورت خودکار روی نمی‌دهد.^{۵۹} بازار آزاد ابزاری خنثی است که می‌تواند در جهت بهبود یا تخریب کار کند و هر اندازه هم کارایی داشته باشد نسبت به فدااییان خود نازک دل نیست. جان رابینسون می‌گوید «دست نامرئی» می‌تواند با «اختناق» کار کند. بنابراین بهره‌گیری از دولت و بازار، ملاحظات خاص خود را دارد اما شرایط و زمینه لازم برای کارکرد مفید آنها توسط نهادها تعیین می‌شود. نهادهای مناسب موجب کارکرد

○ قوانین رسمی ممکن است در نتیجه تصمیمات سیاسی یا قضایی به آسانی تغییر یابد، اما محدودیت‌های غیررسمی که در آداب و رسوم، اصول و قواعد، هنجارهای رفتاری و مجموعه قوانین عرفی تبلور می‌یابد، در برابر سیاست‌های سنجیده و آگاهانه بسیار مقاوم است و خیلی دیر دست‌خوش دگرگونی می‌شود.

تأکید بر سازمانهای غیردولتی موجب انحراف افکار از قدرت سیاسی به سمت سازمانهای غیر مسئول یا موجب سلب مسئولیت قدرت سیاسی در قبال تغییرات نهادی در جامعه شود و اثر معکوسی بر جای گذارد.^{۶۵}

رابطه میان مشارکت و نهادسازی اهمیت حیاتی دارد. نهادهای خوب و مناسب می توانند منجر به مشارکت از نوع خوب آن شوند و البته خوب و مناسب و ویژه‌هایی ارزشی است و بستگی به افراد یا گروههایی دارد که آنها را طراحی می کنند و به کار می گیرند. عوامل گوناگونی که در داخل یا خارج نهاد نقش بازی می کنند، نتایج نهاد و طبیعت مشارکت را تحت تأثیر قرار می دهند. در حقیقت نهادها با فراهم کردن شرایط لازم برای مشارکت گروههای مورد نظر، باعث می شوند که اقشار فقیر و محروم سازمانی ویژه و نیرومند داشته باشند تا بتوانند با نیروهای مخالف خود مقابله کنند. گذشته از آن، مشارکت دادن افراد گروه مورد نظر در امر تصمیم گیری باعث ایجاد سازمانهای مردمی آزاد و داوطلبانه و فعال شدن آنها در ارائه کالاهای عمومی و برنامه‌های عمومی می شود.^{۶۶} معمولاً مشارکت و دموکراتیزه کردن تنها در چارچوب سیاسی دیده می شود اما به عقیده پال استرین^{۶۷} سه بخش دیگر یعنی بخش خصوصی، جامعه شهری و جامعه خانوادگی نیز نیاز به دموکراتیزه شدن دارد. افزون بر اینها، امکان مشارکت کارکنان در تصمیم گیری و ارائه خدمات اجتماعی، استقلال بیشتر واحدهای دولتی، جوامع علمی بین المللی، مشارکت زنان، افراد معلول و غیره در تشکیلات خاص خود می تواند بر روند تغییر نهادها تأثیری بسزا داشته باشد.

۶- خلاصه و نتیجه گیری

نهادها نقش بسیار مهمی در فرایند توسعه اقتصادی بازی می کنند. نهادها گرچه ظاهراً پایدارند اما در جریان توسعه اقتصادی رفته رفته تغییر می یابند. به سخن دیگر، نهادها نه همیشه نسبت به متغیرهای اقتصادی و سیاستهای توسعه سازگارند و نه به صورت خودکار با آنها تطبیق می یابند بلکه باید متناسب با فرایند توسعه اقتصادی طراحی و برنامه ریزی شوند. اما تغییر نهادها آسان

عمومی شرکت نمی کنند و با اصطلاح سواری رایگان می کنند و این موجب ناکارایی می شود.^{۶۸} اولسون^{۶۹} موفقیت اقدام جمعی جمعیتها و گروهها را در ویژگی و اهداف مشترک آنها می داند و معتقد است از این راه است که می توان بر مشکل «سواری رایگان» چیره شد. چنین انگیزه‌ای می تواند حالت محصول مشترک داشته باشد و به اعضا کمک کند که در فعالیتها مشارکت کنند و در نتیجه کسانی که نتوانند مشارکت جمعی داشته باشند جریمه شوند.^{۷۰} گرچه در مورد مشارکت مردم و چگونگی نهادسازی تعریف مشخصی وجود ندارد اما اینها بعنوان هدفی با اهمیت درجه اول برای توسعه مطرح است و می توان آن را بطور خلاصه، قدرتمندسازی^{۷۱} نهادسازی^{۷۲} فرایند جلب مشارکت مردم و افراد ذینفع در پذیرش مسئولیت و کمک در حد توان برای رفع نیازهای خود و رفاه جامعه دانست. اما مشارکت به نحوه سازمان یافتن و متشکل شدن افراد ذینفع بستگی دارد^{۷۳} و از راه همین سازمان یافتن افراد است که نهادها خود را نشان می دهند.^{۷۴} اما در هر مرحله از توسعه، مشارکت مردم مستلزم تغییر روابط اقتصادی و اجتماعی تولید^{۷۵} است. مشارکت یک نیاز انسانی و خود یک هدف است و منظور از آن توانمند کردن مردم و بالا بردن آگاهی آنهاست.^{۷۶} در عین حال مشارکت بعنوان یک هدف نهادسازی تلقی می شود زیرا:

- الف- مشارکت مربوط به شکل گیری سازمانهای مردمی می شود.
- ب- سازمانهای مردمی بهتر می توانند در فرایند تصمیم گیری اثر بگذارند.
- ج- مشارکت مؤثرترین شکل سازمان مردمی را فراهم می کند.

مدل متشکل کردن و قدرتمندسازی مردم بر این اساس است که نهیستان قدرتمند شوند تا در شکستن موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناسی به خود کمک کنند و از دریافت کنندگان منفعل برنامه‌های دولت به «شرکت کنندگان فعال» و «مدیران کارا» تبدیل شوند. گرچه سازمانهای غیردولتی (NGOs) ساختار حمایتی برای تغییر و تحول را فراهم می کنند و پل ارتباطی دولت و اقشار ضعیف جامعه هستند، اما این خطر وجود دارد که

○ روند دگرگونی نهادهای اجتماعی، تدریجی و کمتر انقلابی است. نهادها ترکیبی از هنجارهای رفتاری هستند که در گذر زمان شکل می گیرند و مقاصد ارزشی معینی دارند. به سخن دیگر، نهادها انتظارات، بینش‌ها و رفتار انسانها با یکدیگر را شکل می دهند.

می‌شود. پایه و اساس این تئوری‌ها بوسیله جی وانز (Jevons)، منگر (Menger) و والراس (Walras) و سپس تحلیل تعادل عمومی والراس و پارتو ارائه شد. نگاه کنید به (K.G. Seth (1981).

2. Oakley and Marsden (1979).
3. Drez and Sen (1990).
4. Kneese and Sweeney (1988).
5. Bhaduri and Rahman (1982) p. 1076.
6. Nixon (1981).
7. Clower (1966).
8. Chenery etal (1986).
9. Solow (1957).
10. Denison (1967).
11. Bush (1987) p. 1078.
12. Ibid.
13. Plerse (1991), Edward Shils (1972), Daniel Lerner (1958), Eisenstadt (1964, 1961), Smetser (1968).

لرر در این زمینه می‌نویسد: «مدل غرب اجزاء و مراحل معینی را نشان می‌دهد که تناسب جهانی دارد. . . . این مدل که در غرب پیاده شده است یک واقعیت تاریخی است. . . . همین مدل اساسی تقریباً در همه جوامع مدرن و قاره‌ها در جهان تکرار می‌شود. . . . چیزی که غرب امروز است، خاورمیانه سعی دارد در آینده به آن دست یابد.»

Sudha Pai (1991)

۱۴. مورس و آدلمن این ایده را که همه کشورهای، تغییرات اقتصادی و نهادی مشابهی را پشت سر می‌گذارند رد می‌کنند. بررسی‌های آنان نشان می‌دهد که کشورهای توسعه‌یافته پنج مسیر مختلف توسعه اقتصادی را طی کرده‌اند که چهارتای آنها مناسب شرایط فعلی کشورهای توسعه‌نیافته است: دو مسیر صنعتی، دو مسیر کشاورزی و یک مسیر رشد متوازن. نگاه کنید به Cynthia Taft Morris and Irma Adelman (1989). داگلاس نورث در رد ادعای بالا می‌نویسد که بسیاری از اقتصادهای منطقه‌ای از همان آغاز در قالب اقتصادهای مبتنی بر صادرات شکل گرفته‌اند. این نظریه با نظریه قدیمی مراحل تاریخی که از مکتب آلمان به اورت رسیده مغایرت دارد چرا که در نظریه‌های مکتب تاریخی، تحویل همواره از خودکامگی (local autarchy) به سوی تخصصی شدن فزاینده تقسیم نیروی کار در جریان است.

Douglas C. North (1955)

۱۵. نگاه کنید به دکتر رامش ویراساد میسر (۱۳۶۶).

16. Bill Warren (1973).
17. Myrdal (1975).
18. Street (1987) p. 186.
19. Knudsen (1993) p. 269.
20. Douglas North and Robert P. Thomas (1973).

نیست و با دشواریهای متعدد روبرو است. اگر شرط لازم برای توسعه اقتصادی برقراری رقابت کامل و تخصیص بهینه منابع بدانیم، با دو مشکل عمده یعنی «هزینه مبادله» و مسئله «سواری رایگان» روبرو هستیم. دو نهاد عمده یعنی دولت و بازار در جهت کاهش «هزینه مبادله» وارد میدان شده و در فرایند توسعه اقتصادی با یکدیگر درگیر می‌شوند. هدف آنها ایجاد و گسترش «کالاهای عمومی» است اما کالاهای عمومی موجب «سواری رایگان» می‌شود. سواری رایگان به دو دلیل پدید می‌آید: یکی اینکه وقتی «کالای عمومی» تولید شد نمی‌توان دیگران را از استفاده از آن منع کرد (مانند قوانین و مقررات، پاکیزگی محیط زیست، کشف داروی ضد سرطان، بزرگراهها، پل‌ها، پارکها و غیره) و دیگر اینکه استفاده دیگران از کالای عمومی موجب کاهش مقدار عرضه آن برای سایر استفاده کنندگان نمی‌شود. بنابراین کسانی که منافع شخصی را در نظر می‌گیرند در ارائه کالاهای عمومی مشارکت نمی‌کنند و با اصطلاح «سواری رایگان» می‌کنند و این، موجب ناکارایی می‌شود. یکی از راههای مبارزه با سواری رایگان، اقدام جمعی است که خود مستلزم وجود ایدئولوژی مشترک برای افراد، جمعیت‌ها، گروهها و تشکیلاتی است که در مشارکت جمعی شرکت می‌کنند. مشارکت موجب توانمندسازی و توزیع مناسب قدرت می‌شود. در این رابطه نهادهای خوب و مناسب شرایط لازم را برای سازمان خوب و متشکل کردن افراد فراهم می‌آورند و به برقراری مردمسالاری در جامعه کمک می‌کنند. اما مشارکت و دموکراتیزه شدن نباید تنها به مسائل سیاسی محدود باشد بلکه دیگر بخش‌ها مانند بخش خصوصی، جامعه شهری و جامعه خانوادگی نیز نیازمند دموکراتیزه شدن هستند. تنها در این شرایط است که می‌توان نهادهای نامناسب را اصلاح و نهادهای سازگار و مناسب توسعه اقتصادی را برقرار کرد تا فرایند رشد و توسعه اقتصادی پایدار را تضمین کنند.

یادداشت‌ها

۱. Mustapha. K. Nabli (1989) p. 1342.

تئوری‌های محض اقتصادی از بکارگیری تحلیل‌های مارژینالیست‌ها برای تعیین قیمت و توزیع درآمد مشخص

○ نهادهای می‌توانند فرایند توسعه را تسریع یا متوقف کنند. مقایسه نقش نهادهای اجتماعی در فرایند توسعه چین و ژاپن نشان می‌دهد که این نهادها در چین مانع پیشرفت کشور شده‌اند، در حالی که نقش مهمی در توسعه یافتگی ژاپن داشته‌اند.

64. Oakley (1991).
 65. Manoranjan Mohanty (1995).
 66. Moser (1987) Uphoff (1980) Oakley (1991).
 67. Paul Streeten (1992).

منابع و ماخذ

الف - منابع فارسی

- محسنی، منوچهر، مقلدات جامعه‌شناسی، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۶.
 - میسر، رامش ویراساد، «برداشتی نواز مسائل توسعه»، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۴۶، چهارم آبان ماه ۱۳۶۶.
 - داگلاس نورث، نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمد رضا معینی، سازمان برنامه و بودجه، تهران ۱۳۷۷.
 - یوسفی، محمدقلی، «اندیشه‌هایی که به جایزه نوبل منجر شدند»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۲، فروردین ۱۳۷۸، صص ۲۷-۴۳.

ب - منابع انگلیسی

- Arrow Kenneth "Political and Economic Evaluation of Social Effects and Externalities in M. Intrilligator (ed) *Frontiers of Quantitative Economics*, North - Holland, Amsterdam 1971.
 Amsden, Alice, H., "Diffusion of Development: The Late Industrialising Model and Greater East Asia", *The American Economic Review*, Vol 81 (May 1991).
 Bernholz, Peter, "The Political Economy of Growth", *Kyklos*, Vol 37, 1984.
 Bhaduri A., and M.A. Rahman (eds), *Studies in Rural Participation*, Geneva, ILO 1982.
 Boudin, "Traditionality in Economics", *Quarterly Journal of Economics*, Aug. 1963.
 Briggs Jr. Vernon M., "Human Resource Development and The Formulation of National Economic Policy", *Journal of Economic Issues*, Sep. 21, 1987.
 Bush, Paul D., "The Theory of Institutional Change" *Journal of Economic Issues*, Sep. Vol. 21 1987.
 Cardoso, F.H., "Associated Dependent Development Theoretical and Practical Implications", in A. Stephen (ed), *Authoritarian Brazil: Origins, Policies and Future*, New Haven, Yale University Press 1973.
 Chenery H.B., Robinson, S and Syrquin M., *Industrialisation and Growth: A Comparative Study*, Washington: World Bank 1986.

۲۱. جیمز میل در کتاب اصول اقتصاد سیاسی به نقل از فریدون تفضلی (۱۳۷۲) ص ۱۴۳.
 ۲۲. محمدقلی یوسفی (۱۳۷۸).
 ۲۳. داگلاس نورث، پیشین، ص ۲۰.
 ۲۴. جیمز میل، پیشین، ص ۱۴۳.
 ۲۵. همان.
 ۲۶. داگلاس نورث (۱۳۷۷)، ص ۱۰۸.
 ۲۷. همان.
 ۲۸. همان، ص ۱۱۰.
 ۲۹. همان، ص ۱۴۸ و ۹، Amlan Dutta (1961) p. 9.
 30. Sen (1996) p.5, Olson (1982).
 ۳۱. ترگاردن (Tregarthen 1987) مثالی در این رابطه می‌زند؛ بک زلزله بزرگ است که باید به چندین زمین لرزه خفیف تبدیل شود.
 32. Uphoff (1986).
 33. Ruttan and Hayami (1984) p. 204.
 34. [Boudin (1963), Max webber (1930)].
 35. David Mccland (1961).
 36. [Krueger (1990), Ohkawa (1989), Norman Jacob (1982)].
 37. [Thomas (1991), Reynolds (1983), Platteau (1990)].
 38. Demsetz (1967) p. 347.
 ۳۹. داگلاس نورث، پیشین، ص ۲۲.
 40. Coase (1992) p. 714.
 41. Williamson (1983) p. 62.
 ۴۲. داگلاس نورث (۱۳۷۸)، پیشین، ص ۱۰۹.
 43. Hyman (1992) p. 134.
 44. [Alchian and Woodward, (1988. p. 48); Hyman (1992 p. 134) Coase R. (1960)].
 45. Douglas North (1973).
 46. Myrdal (1951).
 47. Anne. O. Krueger (1974).
 48. Michael Lipton (1989) pp. 1561-1565.
 ۴۹. محمدقلی یوسفی، پیشین، صص ۲۷-۴۳.
 50. Paul Streeten (1994) p.1.
 51. Keneeth Arrow (1971).
 52. Michael Parkin (2000) p. 60.
 ۵۳. محمدقلی یوسفی، پیشین.
 54. Manoranjan Mohanty, (1989).
 55. Denis Goulet (1983) p. 620.
 56. Tyaghi (1982).
 57. Olson (1982).
 58. Harding (1987).
 59. Oakely and Marsden (1984).
 60. Uphoffetal (1979).
 61. Oakley and Marsden (1984), Chowdhury (1988).
 ۶۲. (محسنی، ص ۱۴۷).
 63. Bhaduri and Rahman (1982).

○ کارکرد درست بازار
 به هنجارهای اخلاقی،
 عمومی و بویژه اعتماد و
 اطمینان و قواعد رفتاری و
 پایبندی های اخلاقی
 بستگی دارد که خود ناشی
 از نهادهای غیررسمی در
 جامعه است. نبود این
 شرایط، جلوی کارکرد
 درست مکانیزم بازار را
 می‌گیرد.

○ یک کشور، برای داشتن بازاری کارا، نیازمند قوانین و مقرراتی است که برای مردم انگیزه ایجاد کند تا خلاق شوند و کارایی خود را افزایش دهند و به افرادی موجد تبدیل شوند.

Vol. 67, 1965.

———. "Syllabus for Problems of Modern Society: The Theory of Institutional Adjustment", *Journal of Economic Issues*, Vol 15, Dec. 1981.

Frank, Andre, Gunder, *Capitalism and Underdevelopment in Latin America: Historical Studies of Chicago and Brazil*, New York and London Monthly Review Press 1967.

Goldworthy, David, "Political Power and Socio - Economic Development: Two Problems", *Political Studies*, Vol 32, No 4, 1984.

———. "Political Analysis of Development Studies", *Politics*, Vol 18, No 1, 1983.

———. "Thinking Politically about Development", *Development and Change*, Vol 19, 1988.

Goulet Denis, "Obstacles to World Development: An Ethical Reflection", *World Development*, Vol II No 7, 1983.

———. "Three Rationalities in Development Decision Making", *World Development*, Vol 14, No2, 1986.

———. "Participation in Development: New Avenues", *World Development* XVII (1989). Griffin Keith (ed), *Institutional Reform and Economic Development in the Chinese Country Side*, Armonk, New York, Sharpe 1984.

Harding Harry, *China's Second Revolution: Reform After Mao*, Washington, The Brookings Institution 1987.

Huntington, Samuel P and Nelson. Joan M., *No Easy Choice, Political Participation in Developing Countries*, Cambridge, Mass Harvard University press 1976.

Jacob, Norman, *The Origin of Modern Capitalism and Eastern Asia*, Washington, The Brookings Institution, 1987.

Jevons, W. Stanley, *Theory of Political Economy*, London, Macmillan 1979.

Khan, Niaz Ahmad, "Towards an Understanding of Participation: The Conceptual Labyrinth Revisited", *The Administrative Change*, Vol XX No. 1-2 July 1992.

Kneese, A.V., and Sweeney, J.L (eds), *Handbook of Natural Resources and Energy Economics*, Amsterdam, North Holland 1988.

Koopman T.C. and J.M Montias, "On the Description and Comparison of Economic Systems", in Alexander Eckstein (ed) *Comparison of Economic Systems: Theoretical and Methodological Approach*, Barkeley C.A: Uni-

Choudhury A.N., *Let Grass Roots Speak People's Participation, Self - help Groups and NGOS in Bangladesh*, Dhaka: UPL 1988.

Clower, Robert, *Growth Without Development: An Economic Survey of Liberia*, Evansten III, 1966.

Coase Ronald, "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*, Vol. 3, 1960 pp 1-44.

Coleman, James, *Nigeria: Background to Nationalism*, Berkeley: University of California Press 1958.

Cohen and N. Uphoff, "Participation's Place in Rural Development: Seeking Clarity Through Specificity", *World Development*, Vol X, 1980.

Cynthia, Taft Marris and Irma Adelman, "Nineteenth Century Development Experience and Lesson for Today", *World Development*, Vol 17, No 9, 1989.

Demsetz Harold, "Toward a Theory of Property rights", *American Economic Review*, Vol. 57, May 1967.

Denison E.F., *Why Growth Rates Differ: Post - War Experience in Nine Western Countries*, Washington: Brookings Institution 1980.

Drez, J.P. and Sen A.K., *Hunger and Public Action*, Oxford University Press 1990.

——— and Stern N.H., "The Theory of Cost - benefit Analysis in Hand book of Public Economics" in A Griliches z(ed), R and D. *Patent and Productivity*, Chicago, University of Chicago Press 1987.

Dutta Amlan, *Essays on Economic Development*, Calcutta 1961.

Easton David, "An Approach to Analysis of Political Systems", *World Politics*, Vol. IX 1957.

Eisenstadt S.N., "Social Change, Differentiation and Evolution", *American Sociological Review*, Vol 29, 1964.

———. *Modernisation: Protest and Change*, Englewood Cliff, Prentice Hall 1966.

Erich Jacoby and Charlatte, Jacoby, *Man and Land*, London, Andre Deutsch 1971.

Evers, Adalbert, *Social Policy in Transition: an Analysis of the Country report from the Conference of European Ministers Responsible for Social Affairs*, Warsaw April 1987.

Foster G.M., "Peasant Society and Images of the Limited God", *American Anthropologist*,

- Simmons (eds), **The Historical Dimension of Economic Development**, London, Frank Class 1984.
- and Lee N., **Industrialisation of Less Developed Countries**, Oxford University Press 1983.
- North Douglas, **Structure and Change in Economic History**, Norton and Company 1981.
- "A Theory of Economic Change", *Science* Vol 219, January 1983.
- and Robert Thomas, **The Rise of the Western World**, Cambridge University Press 1973.
- and Robert P. Thomas, **The Rise of the Western World: A New Economic History**, Cambridge University Press, 1973.
- Nugent J.B., Nabli M. (ed), **The New Institutional Economic and Development**, North - Holland, Amsterdam 1989.
- Oakley P., **Projects With People: The Practice of Participation in Rural Development**, ILO 1991.
- Oakley P. and Marsden, **Approach to Participation in Rural Development**, Geneva ILO 1984.
- Ohkawa, Kazushi and Heney Rosovsky, **Japan's Economic Growth: Trends Acceleration in the 20th Century**, Stanford: Stanford University Press, 1973.
- and Hiroshisa, Kohama, **Japan's Experience and Its Relevance**, Tokyo, University of Tokyo Press 1989.
- **Economic Growth, Stagflation and Social Rigidities**, New Haven, Conn Yale University Press 1982.
- Olson M., **The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation and Social Rigidities**, New Haven, Conn Yale University Press 1982.
- Pai Sudha, "Problems in the Comparative Analysis of Third World Societies", *The Indian Journal of Social Science* Vol. 4, No 4, 1991.
- Reynolds J, "The Spread of Economic Growth to Third World 1850-1980", *Journal of Economic Literature*, Vol 21, pp 941-80.
- Parkin Michael, **Economics**, Addison - Wesley, New York, 2000.
- Platteau J. ph., **Land Reform and Structural Adjustments in Sub - Sahraen Africa: Controversis and Guidelines, Report Prepared for the Food and Agrlcaltural Organization**, Aug 1990.
- Porter Doug, "Protesstanalism and Technical
- iversity of California press 1971.
- Krueger, Anne O, "Asian Trade and Growth Lessons", *The American Economic Review*, Vol 80, May 1990.
- Knudsen, C., "Modelling Rationality, Institutions on and Processes in Economic Theory", in V. Maki, B. Gustfsson and C. Knudsen (eds) **Rationality, Institutions and Economic Methodology**, London: Routledge 1993.
- Lal, Deepak, **The Poverty of Development Economics**, Harvard University Press, Cambridge Mass 1985.
- Langlois, R.N., **Economic as a Process, Essays in the New Institutional Economics**, Cambridge University Press 1986.
- Lerner Danel, **The Passing of Traditional Society: Modernising the Middle East**, New York Free Press 1958.
- Lipton Michael, "Agriculture, Rural, the state and Surplus" *World Development*, Vol No 10, Oct. 1989 pp 1565-1655.
- Manorangan Mohanty, "On The Concept of Empowerment", *Economic and Political Weekly*, June 17, 1995.
- Mohanty Manoranjan, "Changing Terms of Discourse", *Economic and Political Weekly* Vol. XXIV, No. 7, Sep, 2, 1989.
- Marsh, Robert M., "Does Democracy Hinder Economic Development in the Late Comer Developing Nations"? *Comparative Social Research*, Vol 2, 1979.
- Mccland David, G, **The Achleving Society**, New York Free Press 1967.
- Moser, C.O., "Approach to Community Participation in Urban Development Programmes in Third World Cities", in *Agriculture* Vol 2, Washington D.C. World Bank 1987.
- Myrdal Gunner, **Economic Theory of Under developed Regions**, London, Gerald Duck Worth 1957.
- **Rich Lands and Poor**, New York Harper and Row 1957.
- **The Unity of Social Science**, Plenary Address to the Society of Applied Anthropology, Amsterdam, March 1975.
- **Asian Drama**, Vol III, New York Panthean Book 1968.
- Nabli, Mustapha K., and Jeffrey B. Nugent, "The New Institutional Economics and Its Applicability to Development", *World Development* Vol 17, No. 9, 1989.
- Nixon, F.I., "Economic Development, a Suitable Case for Treatment", in Ingham and C.

○ بازار آزاد ابزاری
 خنثی است که می تواند در
 جهت بهبود یا تخریب کار
 کند و هر اندازه هم کارایی
 داشته باشد نسبت به
 فداییان خود نازک دل
 نیست. به گفته ای، «دست
 نامرئی» می تواند با «اختناق»
 کار کند. شرایط و زمینه
 لازم برای کارکرد مفید یا
 مخرب دولت و بازار،
 توسط نهادها فراهم
 می شود.

○ معمولاً مشارکت و
دموکراتیزه کردن تنها در
چارچوب سیاسی دیده
می شود، اما به عقیده
برخی از صاحب نظران،
بخش خصوصی، جامعه
شهری و جامعه خانوادگی
نیز نیاز به دموکراتیزه شدن
دارد.

Thomas J., **Informal Economic Activity**, Deddington Philip Allen 1992.

Tregarthen, Timothy, **The Margia**, December 1987.

Tyaghi B.P., **Public Finance**, Jai Parkash Nath & Co, Meerut India 1983.

United Nations, **Report on World Social Situation**, Sales no E. 82 IV, No 2, 1982.

Uphoff. **Local Institutional Development: An Analytical Source Book With Cases**, West hartfordit, Kumarian Press 1986.

Uphoff et al., **Feasibility and Application of Rural Development Participation: A Stable Art Paper**, Itaca, New York, Cornell University 1979.

Vernon M. Briggs Jr, "Human Resource Development and the Formulation of national Economic Policy", **Journal of Economic Issues**, Sep. 1987.

Warren Bill, Imperialism and Capitalist Industrialisation, **New left Review**, Vol. 18, Sep-Oct. 1973.

Weber Max, **The protestant Ethics and the Spirit of Capitalism**, London 1930.

Weede Erich, "The Impact of Democracy on Economic Growth: Some Evidence from Cross- National Analysis", **Kyklos**, Vol. 36 1983.

Wertheim W.F., **Evolution and Revolution, The Rising Waves of Emancipation Middle Sex**, England, Penguin Book 1974.

Willamson O.E. **The Economic Institution of Capitalism Firms**, New York Free Press 1985.

——— **Markets and Hierarches; Analysis and Antitrust Implications**, New York: The Free Press 1975.

Alchian A.A., and H. Demsetz, "Production, Information Costs and Economic Organization", **American Economic Review**, Vol. 62 (1972) pp 777- 95.

Demsets H. "Information and Efficiency: Another View Point", **Journal of Law and Economics**, Vol. 12, April 1-22.

به نقل از

Hyman David Jacobson and Bernadette and Resso Callaghan, **Industrial Economics and Organization; A European Perspective**, The MC-Graw Hill, London, 1992.

Sophistication in Australia's Air Programm" in P. Eldrige D. Forbes and D. Porter (ed). **Australian overseas Aid**, Sydney, Croom Helm 1986.

Rostow Walt. W., **The Stages of Economic Growth: a Non - Communist Manifesto**, Cambridge University Press 1982.

Ruttan V.M., and Y. Hayami, "Toward a Theory of Induced Institutional innovation", **Journal of Development Studies**, Vol. 20, (July 1984).

Santos T. dos, "The Structure of Dependence", **American Economic Review**, Papers and Proceedings, Vol 40, May 1970.

Schumpeter, Joseph A., **History of Economic Analysis**, New York, Oxford University Press 1955.

Sen. A.K. "Freedom of Choice", **European Economic Review**, No 32, 1988.

Shills Edward, "Intellectuals, Tradition and Traditions of Intellectuals: Some Preliminary Considerations", **Deadalus**, Vol. 101, No 2, 1972.

Seers D., "The New Meaning of Development", **International Development Review**, Vol. 19, No 3, 1977.

Seth K. G., "Non - Economic Factors in Economic Analysis", **The Indian Economic Journal** Vol. 3, No 4, 1981.

Solow R., "A Contribution to the Theory of Economic Growth", **Quarterly Journal of Economics**, Vol. 70, 1956.

——— "Technical Change and the Aggregate Production function", **Review of Economics and Statistics**, Vol. 39, 1957.

Smelser N. J., "Towards a General Theory of Social Change", in **Essays in Sociological Explanation**, Englewoodcliff N.J. Prentice Hall 1968.

Street Paul, "Markets and States: Against Minimalism", **Political Economy Journal of India**, Vol 2, Issues 3 & 4, July - Dec 1994.

Street James H., "The Institutional Theory of Economic Development", **Journal of Economic Issues**, 1987.

Streeten Paul, "Structural Adjustment: A Survey of Issues and Options", **World Development**, Vol. 15, No. 12, December 1987 pp. 1469-1462.